

نگاهی به مجموعه شعر محلی جهرمی «با نسیم تازونه»، اثر سید عبدالرسول عقیلی

بهرام شعبانی*

چکیده

سید عبدالرسول عقیلی از چهره‌های فرهنگی و ادبی معاصر شهرستان جهرم است که در قالب‌های شعری سنتی و نو، هم به زبان معیار و هم به لهجه محلی جهرمی، شعر می‌سراید؛ عقیلی با چاپ مجموعه‌بازی‌های محلی جهرم، با عنوان آتش بیار و مجموعه شعر محلی با نسیم تازونه، توانمندی و عشق خود به ادبیات فولکلوریک این خطه از اقلیم ادیب‌پرور فارس را به نمایش گذاشته‌است. با نسیم تازونه، در برگیرنده چهل و چهار غزل و بیست دوبیتی به لهجه فارسی جهرمی است که شاعر در آن به موضوعاتی مانند عشق، دعا و نیایش، سنت‌های محلی، پند و اندرز، فترت شعر و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منطقه جهرم پرداخته‌است. زبان شعر نیز در این غزلیات ساده است و شاعر با استفاده از واژه‌های بومی جهرمی و تلفظ واژه‌ها به لهجه فارسی جهرمی و نیز خلق ترکیبات و مضامین تازه با استفاده از ظرفیت‌های زبانی محلی، بر غنای این اثر افزوده‌است. در این تحقیق، ابتدا شاعر و آثارش را به اختصار معرفی می‌کنیم و سپس به بررسی و تحلیل ویژگی‌های سبکی مجموعه شعر محلی با نسیم تازونه، به لحاظ زبانی و محتوایی می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: سید عبدالرسول عقیلی، با نسیم تازونه، لهجه جهرمی، ویژگی‌های سبکی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه جهرم.

۱. مقدمه

در این زمانه که بی‌تفاوتی و بلبل‌زبانی‌های بدون پشتوانه فکری و معنوی، در میان اهل زبان فارسی رواج یافته، صاحب‌دلان دلسوز و عاقلان مراقب، شاهد هجوم واژه‌ها و ترکیبات زبان‌های بیگانه، به ویژه زبان انگلیسی، به زبان غنی و شیرین فارسی هستند و بعد از ابراز تأسف، تلاش برای حفظ زبان فارسی، بیش‌ترین کاری است که از دستشان بر می‌آید. این در حالی است که توده‌های مردم که کاربران اصلی و سازندگان واقعی آینده زبان هستند، با تسلیم در برابر این هجوم زبانی، ناخودآگاه، به زبان فارسی آسیب‌هایی جدی وارد می‌کنند و دلسوزان زبان فارسی، جمله مخاطره‌آمیز- زبان فارسی را پاس بداریم- را بارها به گونه‌ای طنزآمیز از زبان جوانان شنیده‌اند؛ جمله‌ای که بیانگر کم-توجهی نسل جوان به حفظ میراث ارزشمند زبان فارسی است.

این موضوع بیانگر آن است که نه فرهنگستان زبان فارسی، علی‌رغم نگرانی مسئولانش، توانسته آن‌طور که باید چاره‌اندیشی کند و نه توده‌های اجتماعی، به ویژه نسل جوان می‌خواهد به این معضل بیاورد؛ به قول صاحب‌نظری معلوم نیست: «نسل جدید که با شبکه‌های عنکبوتی (web) درگیر است و دغدغه پاسداری از گذشته در او کم‌رنگ، در آینده با کدام میراث فرهنگی همراه خواهد بود؟» (سنگری، ۱۳۸۰: ۲).

سرودن شعر به گویش‌ها و لهجه‌های محلی، در ایران رواجی دیرینه داشته و بسیاری از شاعران فارسی‌گوی، در کنار اشعار رسمی، اشعاری نیز به گویش‌ها و لهجه‌های محلی و عامیانه سروده‌اند. استفاده از اصطلاحات و مضامین عامیانه نیز پس از مشروطه در شعر فارسی رواج بیش‌تری یافته و گروهی از شاعران این دوره که خدمت به محرومان را یکی از رسالت‌های اصلی شعر می‌دانستند، زبان عامیانه رایج در کوچه و بازار را در شعر وارد کردند؛ شاعرانی چون نسیم شمال، دهخدا، در دوره مشروطه و شاعرانی چون نیما و شاملو، در دوره‌های متأخرتر، در این عرصه، به شعر فولکلوریک و عامیانه فارسی، خدمات شایانی کرده‌اند. در مناطق مختلف ایران نیز شاعران بسیاری به استفاده از واژه‌ها، مضامین و سنت‌های عامیانه در شعر روی آوردند و منظر شعری جدیدی را مقابل دوستداران اشعار محلی قرار دادند. بعضی از این اشعار که جنبه ترانه‌های محلی یافته، از شاعران گمنام و برخی از شاعران سرشناس است (رک. رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۹۷).

شهرستان جهرم نیز به عنوان بخشی کوچک از سرزمین پهناور ایران، از دیرباز شاعران و نویسندگان صاحب‌نامی را مانند کامل جهرمی و میرزانشیر جهرمی اصفهانی از گذشتگان و مرحوم علی محمد حق‌شناس و رباب تمدن از معاصران و ده‌ها شاعر و نویسنده خوش‌ذوق و خوش‌بیان دیگر که در تاریخ ادب فارسی جایی نیز برای این دیار باز کرده‌اند، در خود پروراند-

نگاهی به مجموعه شعر محلی جهرمی «با نسیم تازونه»، اثر سید عبد الرسول عقیلی ۶۳ هجری است؛ برخی از این شاعران نیز به لهجه محلی جهرمی شعر سروده و آثاری ماندگار و ارزشمند از خود به یادگار گذاشته‌اند که معرفی و تحلیل این آثار، می‌تواند در شناخت بیش‌تر و در نتیجه حفظ و تقویت ادبیات عامیانه و محلی جهرم کمک کند.

۲. پیشینه تحقیق

درباره ادبیات فولکور جهرم و شعر محلی جهرمی به کتاب‌های شهرستان جهرم، اثر جلال طوفان، کتاب جهرم، اثر حسین حقایق، فرهنگ فارسی جهرمی (واژه‌ها، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، باورها و آیین‌ها)، اثر صمد فرزین‌نیا، آتشیبار، اثر سید عبد الرسول عقیلی و مجموعه شعر محلی با نسیم تازونه، اثر سید عبد الرسول عقیلی می‌توان اشاره کرد که اطلاعات کامل کتاب‌شناسی این آثار، در بخش منابع آمده‌است.

۳. سید عبد الرسول عقیلی

سید عبد الرسول عقیلی متولد سال ۱۳۴۲ و ساکن شهرستان جهرم است. او دارای مدرک کاردانی زبان و ادبیات فارسی و کارشناسی تربیت بدنی و علوم ورزشی است. عقیلی با بیش از سی سال تجربه تدریس در رشته‌های ادبیات فارسی و تربیت بدنی در آموزش و پرورش، بازنشسته فرهنگی است و هم‌اکنون پذیرفته‌شده دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه شهید باهنر کرمان است.

او فعالیت هنری خود را از بازیگری در تئاتر آغاز کرده و در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ با ایفای نقش در نمایشنامه‌های «راه تازه»، «باز فریاد»، «گریش چرا؟»، «کمرم شکست مستی اما سرافرازم»، «کفن سبز»، «ای یاوران بتازید» و... در شهرستان جهرم، صحنه تئاتر را آزموده‌است. عقیلی در شعر نیز صاحب ذوق است و در قالب‌های سنتی و نو هم به زبان معیار و هم به لهجه محلی جهرمی شعر می‌سراید. دبیری انجمن شعر و ادب جهرم و دبیری انجمن ادبی پژوهش-سرای برنا، از دیگر فعالیت‌های شاعر است. او هم اینک در محافل ادبی فعال است.

۴. آثار عقیلی

آثار چاپ‌شده عقیلی «آتش بیار» و «با نسیم تازونه» است که در این جا به اختصار این دو اثر را معرفی می‌کنیم:

۴ . ۱ . آتش‌بیار

این کتاب در توضیح و تحلیل بازی‌های محلی شهرستان جهرم که در گذشته در محلات این شهر برگزار می‌شده و اکنون بی‌رونق گردیده و یا به دست فراموشی سپرده شده‌است، تألیف شده و در آن، چهل و هشت بازی محلی رایج در گذشته جهرم، تبیین و شرح گردیده‌است. همچنین دو داستان کوتاه، متناسب با موضوع کتاب نیز از نویسندگان در این مجموعه آمده‌است. «آتش‌بیار» در سال ۱۳۹۲ توسط نشر مصّلی در جهرم به چاپ رسیده‌است.

۴ . ۲ . با نسیم تازونه

اثر دیگر عقلی، مجموعه شعر محلی با نسیم تازونه، شامل ۴۴ غزل در ۲۰۷ صفحه است که شاعر، اشعار آن را بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۳ به لهجه محلی جهرمی سروده‌است. همچنین شاعر، اشعاری به زبان رسمی و معیار شامل غزل، غزل‌مثنوی و شعر سپید، متناسب با اشعار محلی، در ابتدای این مجموعه و ۲۲ دوبیتی را در لابه‌لای اشعار آن آورده‌است. این کتاب را انتشارات پونیز جهرم با مقدمه منصوره رنجبر به زیور طبع آراسته‌است.

۵ . ویژگی‌های سبکی اشعار مجموعه با نسیم تازونه

ویژگی‌های سبکی این مجموعه را در سه بخش زبانی، ادبی و محتوایی بررسی می‌کنیم:

۵ . ۱ . ویژگی‌های زبانی

زبان شعر در این مجموعه، ساده و متکی بر عناصر زبانی محلی است؛ واژه‌های خاص لهجه فارسی جهرمی و واژه‌های با تلفظ این لهجه، در خلق زبان و سبک شعری این مجموعه، نقش زیادی داشته‌است. خلق ترکیبات و مضامین تازه با استفاده از لهجه و فرهنگ محلی نیز از دیگر عناصر مهم سبک‌ساز در این مجموعه شعر محلی است.

۵ . ۱ . ۱ . لغات و مفردات

آشنایی عمیق عقلی با فرهنگ و زبان توده مردم جهرم همراه با ذوق سرشار شعری، باعث شده تا وی بسیاری از لغات بومی جهرمی را به شکلی زیبا احیا کند و به بسیاری از کلمات عامیانه و غیرشاعرانه، جواز ورود در شعر دهد.

۵ . ۱ . ۱ . کاربرد واژه‌های محلی جهرمی

عقلی در این مجموعه، از واژه‌هایی که به‌طور خاص در لهجه جهرمی به کار می‌رود و غیرجهرمی‌ها بدون توضیح، معنا و تلفظ آن را در نمی‌یابند، بسیار استفاده کرده و به کمک آن، دایره لغوی زبان شعر خود را گسترش داده‌است. برخی از این واژه‌ها برای بیان نام‌های مرتبط با

نگاهی به مجموعه شعر محلی جهرمی «با نسیم تارونه»، اثر سید عبد الرسول عقیلی ۶۵
 شغل‌ها و محصولات بومی به کار می‌رفته و برخی به طور متنوع در زندگی مردمان این دیار،
 کاربرد داشته‌است؛ دسته‌ای از این واژه‌ها مانند تَرک، تُوختک، کُرَنگ، پُودوز، لِگار، از اجزای
 درخت نخل هستند که به‌ویژه در گذشته، در زندگی مردم جهرم بسیار مؤثر بوده‌است. دسته‌ای
 دیگر مانند دورووی، تَش پیش‌کُن، کَپَه پَرَسَم، بَلک و تُوخ، ابزارهای پخت نان محلی و یا نام انواع
 نان بوده‌است. برخی کلمات مانند چَل چَل مَچَلا و قلم سُو، در بیان بازی‌های محلی کاربرد
 داشته و برخی مانند اِکا، صامدئی، تیت، گُرزُندم، بیج، مِگ و... از تغییر اصل کلمات در لهجه
 جهرمی ساخته شده‌اند. بسیاری از این کلمات مانند زَمه، زُر، تَمزُونا، بُهکَه، تَریشی، لِگ، سَتَلَه،
 تیریشکُو، سَهَرک، بُک، سَرا، عالی، وَرگَار، نَمه، سَغَلُو، هِرَنه‌بَر، مِرچَگی، تَنزه، توتورک، تَز و...
 نیز واژه‌های بومی متنوعی هستند که مرتبط با حوزه‌های مختلف زندگی مردم جهرم است و در
 لهجه جهرمی کاربرد داشته‌است. در این بخش، ابیاتی از این مجموعه را که واژه‌های محلی
 جهرمی در آن به کار رفته، همراه با آوانگاری و معنای واژه‌ها نقل می‌کنیم.

تَرک (tarok): درخت نخل

پیش تَرک تَش نزنین زلف سرش بوده یه وخت گیس قشنگ سبز او تا کمرش بوده یه وخت

(عقیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۸)

تُوختک (tovaxtak): قسمت انتهایی شاخه درخت نخل

تو که با پیش و تُوختک می‌زدی ری دل من حالا چیت نی که کنی بنده‌نوازی؟ یه چی ته

(همان: ۳۲)

کُرَنگ (Korong): خرماي درست بارور نشده، پودوز: خرماي نارس

تُو پِچُم مَشتی کُرَنگه، تو پودوزت کجا بود؟ مِل پَنگ مِگِ تو عمدی تووندم آ سی ای

(همان: ۷۹)

لِگار (leğār): هر رشته از پنگ یا خوشه خرما

هی داسِ نگاهش را گُدُش پشت لِگارم از اوّل دَش تا تَه دَخلم یک و دو کرد

(همان: ۸۵)

دورووی (doruvev): نوعی نان ضخیم‌تر از نان معمولی

دورووی گندم و جو بود و تنورِ بریزه نون شیرین گماچ از هنر هر زن بود

(همان: ۱۱۵)

تش پیش‌کن (taš e piš kon): چوبی که آتش بریزن را با آن کم و زیاد می‌کردند
آبی خوب گل من، تش پیش‌کن دسش تمزون، دمبال درکردن اهریمن بود

(همان: ۱۱۶)

کپه‌پرسم (kapa parsom)، تُخ (tox): هر دو از وسایل آماده‌سازی نان
کپه‌پرسم دیگه نی، گر بریزم رختن پین حیف از اون سربریزه، حیف تُخ و جوغن بود

(همان: ۱۱۶)

بَلک (balak): نان کوچکی که از باقی مانده خمیر درست می‌شده
یادمه کوچیک بودم، بازی می‌کردم اونجُو بَلک خوش‌بریزی سهم و نصیب من بود

(همان: ۱۱۶)

سنگِ چل چل مچلا (sange čel čel mačalā): نوعی بازی کودکانه
سنگِ چل چل مچلا، بُوی کی از راه اومه که شده او تو دلا قند فراون ای پسین؟

(همان: ۱۴۵)

قَلَم‌سُو (qalamsow): نوعی بازی مخصوص نوجوانان
یه کمی اوسرترو، بازی می‌کردن پسرا پشت پی قلم‌سوا، سُو سُو چون آهن بود

(همان: ۱۱۵)

اِکا (äek): انگار
اِکا دُز بو که ایطو تندی اوم، جلدی گوروخث مٹ شی بو، یه چی وردُش آ گرو در ر ر

(همان: ۱۶۱)

صامدئی (modeyäs): صاحب ادعا
حالا که مهر تو چون خار کُناره تو دلم صامدئی ای پشه گل، خواره، کُناره تو دلم

نگاهی به مجموعه شعر محلی جهرمی «با نسیم تارونه»، اثر سید عبد الرسول عقیلی ۶۷

(همان: ۲۸)

تیت گُزُندَم (tit gorozondom): از دست تو فراریش دادم

اُوِ عشق و اُدِمِ عاقل آیه جو نمی‌رفت رسته عقل تو از تیت گُزُندَم آ سی ای

(همان: ۷۹)

بیج (pej): مُشت، مِگ (meg): خرمای نارس و دورریز

تو پِجُم مُشتی کُزنگه، تو پودوزت کجا بود؟ مِلِ پَنگِ مِگِ تو عمدی تووندَم آ سی ای

(همان: ۷۹)

زَمَه (zama): مژگان

همسایه دل شد و اما با کیزنیش زَمَه‌ش دیوار دل زد و هرجاش گلّه‌تر کرد با نگاش

(همان: ۲۵)

زُرو تُو (zor o tow): پیچ و تاب

می‌خورم دور و برت هی زُر و تُو ای چه وُلُو کفتر دل رو بونِ خونه‌ت پُزندن شتله

(همان: ۴۸)

تَمَزونا (ātamazun): به نظر می‌رسد

چی نگین، انگا بیگی، آسه یکی در می‌زنه تَمَزونا، ای صِدِی، ابری بیاره تو دلم

(همان: ۲۹)

بُهکه (bohke): صدای انفجار مانند آتش، گُت: بزرگ

هی سُرُم زُر می‌خوره، بُهکه می‌ده دل تو دَلُم غرق گرداب گُتِ دریای قُولُم آسید

(همان: ۳۶)

تیریشه (tiriše): بریده‌های نازک پارچه یا چوب، لِگ: نخ

تیریشی روزی ما گت نی و پهناش باریکه بزنش گندی و پِن شیش لِگِ رسمون بده تیش

(همان: ۴۴)

تیریشکُو (tiriškow): باران شدید
زیر بارون تیریشکُو بُدوم خیس و تیلیس
تو گِلا سُر بخورم کله پُکندن شتله

(همان: ۴۷)

سَهَرک (s:arak): نوعی کوزه، بُک (bok): کوزه شکسته
تو کوچه‌ئی بسّ بالا سَهَرکُم افتاد و شِکس
بُگو وردُشتم و روش عکس جَوونیم کشیدم

(همان: ۵۶)

سَرا (āsari): پُر
إمَشُو آگه عمرم بشه پر واهمه‌ای نیس
سَرا آ علی جونم و و همخون غدیره

(همان: ۷۱)

عالی (leyā): آشکار
عالی می‌کنه بُنگِ آذونم مٹ خورشید
تا صبح ابد زنده مسلمون غدیره

(همان: ۷۲)

وَرگار (vargār): دیروقت
نخل شُونی بی‌صفا تم آگه تا وَرگار صبح
یاد پَرَوند تو و بند حمایل نکتم

(همان: ۸۹)

نَمه (nama): لبه کوتاه در اتاق یا حیاط (در این بیت به شکل معرفه آمده است)
گفتم که نگا، اینه‌ی دل جاش آ تو طاقچه‌س
او مَحَل نُدش حرفم رو سمت نمُو کرد

(همان: ۸۴)

سَغَلُو (sa'ylow): سختی
زبلیم هر چه بیگی کم، بُوریم هر چی بیگی!
دلامون قرصه و هر سَغَلوه آسون ای پسین

(همان: ۱۴۵)

نگاهی به مجموعه شعر محلی جهرمی «با نسیم تازونه»، اثر سید عبد الرسول عقیلی ۶۹ هـ

هزنه‌بر (hernebor): نفس‌بر

سرما قدش شکسه، یخش هزنه‌بر شده
انگی گلی جلال آ سیم یگردن می‌گن

(همان: ۹۸)

مُرچگی (morčogi): درهم کشیدن

چیشاشون مُرچگی کردند آ دسی
تو هچل اُفتیدن از دیدن جاتون

(همان: ۱۱۱)

تنزه (tanaze): رعشه ناگهانی

تنزه ریخته آ جونم یه چی ء، دل واپس
دل‌دوک، گیج و پکر، حتی گوشش گر شده شعر

(همان: ۱۳۷)

توتورک (tuturak): کفک

دل شسه نش، ز توتورک، حیفه، سیا شه
تا گاهه پاشو، فکری به حال کفکش کن

(همان: ۱۴۹)

تَرز (tarz): سرو صدا

شیطون نده راهش تو خونهت با تَرز و غیضت
چوبی آ گجی جوش وردار فلکش کن

(همان: ۱۵۰)

همچنین است کلمات تیم (tim): از دست من (همان: ۷۵)، اووختکی (uvaxtaki): آن‌گاه،
تَمند (tamand): برجستگی دور گرت، چری چپ‌و و (čeri čappow): نوعی بلبل (همان:
۱۵۸)، کچره (kačre): حوض ملاط (همان: ۱۶۲)، هُوزک (howrak): تاب (همان: ۱۶۶)،
آلونی (āluni): نام قبرستانی در جهرم (همان: ۱۷۴)، گاسَم (gāsam): شاید (همان:
۱۷۹)، آرش (areši): نوعی بافتنی از برگ خرما، دُزنه (dorone): نوعی رشته بافتنی از الیاف
نخل، دُروک (durak): سبد مخصوص چیدن رطب (همان: ۱۷۹) و سَمُو (šamow): خواب-
آلود (همان: ۱۸۳).

۵. ۱. ۱. ۲. کاربرد واژه‌های لهجه فارسی جهرمی

برخی واژه‌های این مجموعه شعری نیز در مناطق جنوبی فارس، به کار می‌رود که ممکن است در مناطق مختلف متفاوت تلفظ شوند؛ در لهجه فارسی جهرمی نیز در بسیاری از کلمات، فرایندهای واجی خاصی صورت می‌گیرد که این کلمات در این مجموعه شعر نیز به کار رفته‌است. از ویژگی‌های لهجه جهرمی، آوردن مصوت «او» به «اُو» (u) در آخر اسم مفرد در حالت معرفه است؛ مانند درختو ... که بر معرفه بودن دلالت می‌کند. اگر این اسم مفرد به «ه» غیرملفوظ یا مصوت «آ» ختم شده باشد، مصوت «او» به «اُو» (ow) تبدیل می‌شود (فرزین‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۹). این فرایند واجی در این مجموعه، در کلماتی مانند اوئجُو (عقیلی، ۱۳۹۳: ۳۶)، طاقچُو (همان: ۱۱۶)، کُوچُو (همان: ۱۳۱)، جُو (همان: ۱۳۵)، کُتُو (همان: ۱۳۶)، وایسُو (همان: ۱۵۰)، کُجُو (همان: ۱۸۳) ... صورت گرفته‌است؛ مثال:

تو کوچُو هُو می‌زنه، غِرغو و بلوا می‌ده تیش کمی بعدش، پس در آسکی تَق تَق می‌کنه

(همان: ۱۳۱)

ویژگی دیگر لهجه جهرمی، حذف یک یا دو حرف صامت از آخر کلماتی است که تنها تلفظ می‌شوند و به کلمه‌ای دیگر اضافه نمی‌شوند (فرزین‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۰). حذف یک صامت در بسیاری از واژه‌های این مجموعه به‌ویژه در فعل‌ها دیده می‌شود و کلماتی مانند بود، گفت، رفت، سُنفَت، سُند، نُشد، انداخت، گرفت، دوست، امروز، خُشک، من، هفت، تراشید، برگرد، کشید و آورد، به ترتیب به شکل بو، رف، سُنف، سُ، نُش، انداخ، گِرف، دُوس، امرو، خُش، م، هف، تَرشی، برگر، کِشی و آور، به کار رفته‌است (عقیلی، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۰۵)؛ مثال:

گفتم که هوا صافه دیگه فصل بهاره هی ابرو کشی برد و آور کهنه و نو کرد

(همان: ۵۶)

در کلمات بسیاری نیز دو صامت به شکل متنوع‌تری هم در افعال و هم در اسم‌ها حذف شده‌است و کلماتی مانند گفت، نیست، صبح، خوب، هست، به ترتیب به شکل گ، نی، ص، خ و ه، آمده‌است (همان: ۲۲-۲۰۵)؛ مثال:

گف: شعر تو یخ کرده، صدی عاشق ایطُو نی گفتم: دم ص باد خنک بو، خ بگم چه؟

(همان: ۱۳۹)

نگاهی به مجموعه شعر محلی جهرمی «با نسیم تازونه»، اثر سید عبد الرسول عقیلی ۷۱

اسم‌های مختوم به مصوّت بلند «آ» نیز اگر در جمله مضاف یا موصوف واقع شوند، مصوّت «آ» در آن، همراه با کسره اضافه به مصوت مرکب «ای» (ey) بدل می‌شود (فرزین‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۳). شاعر واژه‌های لهجه جهرمی همچون گردنه‌هی به جای گردنه‌های (عقیلی، ۱۳۹۳: ۲۸)، هوی به جای هوای (همان: ۴۰)، کوچ‌هی به جای کوچ‌های (همان: ۵۵)، صیدی به جای صدای (همان: ۶۵)، چی به جای جای (همان: ۸۸)، گئی به جای گنای به معنای دیوانه (همان: ۹۳)، صئی به جای صفای (همان: ۱۱۵)، تماشئی به جای تماشای (همان: ۱۵۰)، صحرئی به جای صحرای (همان: ۱۵۷)، سفئی به جای شفای (همان: ۱۶۹) و... که این فرایند واجی در آن صورت گرفته را نیز در این مجموعه، زیاد به کار گرفته‌است؛ مانند فیدی به جای فدای و کوروکئی به جای کوروک‌های در بیت زیر:

حالا هر چی کُللک چیدی فیدی دس پلت کوروکئی روشاخه جامونده وارندی که چه شه؟

(همان: ۷۵)

در کلمات مختوم به «اه»، نیز هنگام اضافه شدن به «ی»، گاه «اه» حذف و حرف قبل از «ی» به دو صورت مکسور و مضموم تلفظ می‌شود؛ شاعر از این گونه واژه‌ها مانند سیی به جای سیاهی (همان: ۷۲)، بخئی به جای بخواهی (همان: ۱۷۴)، نگئی به جای نگاهی (همان: ۹۷)، گئی به جای گاهی (همان: ۱۳۲) نیز استفاده کرده و کلمه اینگئی به جای انگاری را نیز با همین تلفظ به کار برده‌است؛ مثال:

انگئی اومدم دنیا، بخئی فهمی نفهمی کئی تو دل از مهر و وفات گفته و رد شم

(همان: ۲۰۵)

گاه در برخی کلمات، مصوّت بلند «آ» به مصوّت کوتاه «اَ» تبدیل می‌شود؛ این گونه کلمات مانند پیژ به جای پاییز (همان: ۳۷)، پین به جای پایین (همان: ۱۱۶)، بیید به جای باید (همان: ۵۱)، ژنگی به جای نارنگی (همان: ۱۰۱)، اینه به جای آینه (همان: ۹۸) و اُتش به جای آتش (همان: ۱۲۸) در این مجموعه، زیاد به کار رفته‌است؛ مثال:

من غرق نعمتم، تو نگئی اینه‌ها بکن بارون ایقد زده که آ رو شیشه شر شده

(همان: ۹۸)

مصوت بلند «آ»، در بسیاری از واژه‌ها نیز به مصوّت کوتاه «اَ» تبدیل می‌شود (فرزین‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۶). این تبدیل مصوّت در بسیاری از کلمات به کار رفته در این مجموعه، مانند ندری به جای نداری (عقیلی، ۱۳۹۳: ۳۲)، دَره به جای دارد (همان: ۵۱)، یدت به جای یادت (همان: ۵۴)، پیژک به جای پیازک (همان: ۵۴)، بَدَری به جای بذاری (همان: ۶۷)، اندَره به جای اندازه (همان: ۷۲)، تَبَر به جای تأبر (کوتاه) (همان: ۹۷) و... صورت گرفته‌است؛ مثال:

نه هر که سر تَرشی گف: «قلندرم» دیه ها نه هر که اینه دَره، گف سکندرش نمی‌شه

(همان: ۱۲۹)

گاه مصوّت بلند «ای» نیز به مصوّت کوتاه «-ِ» تبدیل می‌شود؛ مانند: رختی به جای ریختی در

بیت زیر:

در زدم در وا نکردی، ینی برگر راس و رُو رختی او پشت سرم دل چِرژندی که چه شه؟

(همان: ۷۶)

کلماتی مانند وخت به جای وقت (همان: ۸۸)، تخصیر به جای تقصیر (همان: ۱۶۶)، نخش به جای نقش (همان: ۱۸۴) و... که در آن صامت «ق» به صامت «خ» تبدیل می‌شود؛ نیز در این مجموعه شعر به کار رفته است. در برخی کلمات نیز حرف «د» به «ذ» تبدیل می‌شود (فرزین نیا، ۱۳۹۰: ۳۱). مانند اذبار به جای ادبار، در بیت زیر:

اونا خیلی تو دَرَن، نیگئی ایطُورِشون نکن توره‌ی اذبارِ شو، جاش تو کُتا نی کلکه

(عقیلی، ۱۳۹۳: ۱۸۳)

در بسیاری از واژه‌های لهجه جهرمی به کار رفته در این مجموعه شعری نیز چند صامت و مصوّت با هم حذف شده است؛ مانند نمی به جای نمی‌دانم (همان: ۲۳)، آسه به جای آهسته (همان: ۲۹)، اَمُورده به جای امامزاده (همان: ۵۵)، ایق به جای این‌قدر (همان: ۵۵)، می‌شکه به جای می‌شکند (همان: ۶۷) و نَدُش به جای نگذاشت (همان: ۸۴).

در لهجه جهرمی، اگر در ابتدای فعل‌هایی که بن آن با حرف «ب» شروع می‌شود مانند بین، بر، بُر و بند، «ب» التزامی و امر و «می» اخباری بیاید، «ب» اصلی به «و» تبدیل می‌شود (فرزین نیا، ۱۳۹۰: ۳۳). در این مجموعه نیز شاعر از افعالی مانند می‌وینی (عقیلی، ۱۳۹۳: ۳۷)، می‌وینه (همان: ۶۴)، بیوینی (همان: ۱۵۸)، بُوندم (همان: ۱۶۱)، بیوین (همان: ۱۷۸) که این تبدیل صامت در آن به کار رفته، استفاده کرده است؛ مثال:

پسِ هم حَرّاجیه، بُوَر و بُوَر به شرط دل ای کوچیه‌ی سبیه ولی شلغم و چُنَدَر شده شعر

(همان: ۱۳۶)

در لهجه جهرمی در بسیاری از کلمات به‌ویژه اسم و فعل، مصوت بلند «ای» بعد از حرف اول یا دوم اضافه می‌شود و کلماتی مانند می‌چیکه (همان: ۳۳)، چیطو (همان: ۵۶)، بیگیریم (همان: ۶۳)،

نگاهی به مجموعه شعر محلی جهرمی «با نسیم تارونه»، اثر سید عبد الرسول عقیلی ۷۳ هـ

جیلو (همان: ۸۰)، نیگا (همان: ۱۴۶)، کوچیک (همان: ۱۵۷)، که این افزایش واج در آن به کار رفته نیز بسیار مد نظر شاعر بوده است؛ مثال:

با رُو چیش بیگیرک، پشت روزی خوشتر عمر
قایم از من می‌شن و جلدی نمایون ای پسین

(همان: ۱۴۴)

گاه نیز با اضافه شدن مصوت «ای» در ابتدای فعل، حرف اصلی اول یا دوم فعل حذف می‌شود؛ مانند
بیشین، بیری، بیگی و بیدی، به جای بشین، بروی، بگویی و بدهی؛ این گونه افعال نیز در اشعار این
مجموعه آمده است؛ مثال:

گُرزه خشکه، آگه تو محض خدا اوش بیدی
جویی ول شده تو صحرئ غم، توش بیدی

(همان: ۱۵۷)

می‌تونی اووختکی پشت تمندو بیشینی
گوش آ آواز قشنگ چری چپوش بیدی

(همان: ۱۵۸)

۵. ۲. ۱. ویژگی‌های نحوی

در لهجه جهرمی یک نوع زمان حال استمراری وجود دارد که از ترکیب «دو کار» (rādo-k) به معنی
«در کار» به صورت دوکار + ضمیر متصل فاعلی + مضارع اخباری ساخته می‌شود (فرزین نیا، ۱۳۹۰: ۳۱)؛
این فعل نیز در مواردی در این مجموعه شعر به کار رفته است؛ مانند:

دوکارن دس تا لدر پشت کوچو تو می‌خورن
می‌دوم تا بدرم سر آ بیابون ای پسین

(همان: ۱۴۶)

ضمیر متصل «ش» نیز در این لهجه به شکل خاصی به جای ضمیر منفصل «او» به کار می‌رود که
در این مجموعه نیز در مواردی چون «ش گفتم» (به او گفتم) (همان: ۱۶۱)، آمده است؛ مثال راش به جای
راه او را در بیت زیر:

می‌خواسم راش بوندم تو کفه‌ئی، اما نش
عین آهو جیکید از راه دزو در ر ر

(همان: ۱۶۱)

لفظ «آ» در لهجه جهرمی به جای حرف اضافه «به» به کار می‌رود (فرزین نیا، ۱۳۹۰: ۳۲)؛ علاوه بر
این، این لفظ گاه به جای حرف اضافه «بر»، گاه به صورت مخفف حرف اضافه «از» و گاه همراه با لفظ

«سی» به معنای «برای» می‌آید؛ این کاربردها نیز در این مجموعه شعر، بسیار زیاد است که به ترتیب برای هرکدام مثالی نقل می‌شود:

نَدَری نقش خودت، اصل حواست اَ منه؟ می‌شی آسِی اَ بَرُم، هِی متوازی یه چی ته؟

(همان: ۳۳)

گفتم: غُرْمبیده اَ سُرُم دنگِ این و اون شیشیه دَلُم شکسه، تو تیر و کمون نشو

(همان: ۹۳)

اَ زور این دَلُم که اَسیت اِزّ و چَرشه بی هُرس و پُرس دوسِ اَ ما بهترن نشو

(همان: ۹۳)

گاه نیز در لهجهٔ جهرمی، حرف اضافه حذف می‌شود که در برخی ابیات این مجموعه، مواردی از این حذف آمده‌است؛ مانند حذف حرف اضافهٔ «به» در بیت زیر:

خدا رحمتش کنه، نور بباره قبرش نون قدّ بغلش مثل خودش، گلشن بود

(همان: ۱۱۶)

۵. ۱. ۳. ترکیبات

کثرت ترکیبان لغوی از دیگر ویژگی‌های شعر عقیلی است؛ شاعر تعداد زیادی از این ترکیبات را از لهجهٔ محلی مردم جهرم برگرفته که حاصل آشنایی عمیق او با آیین‌ها، آداب و فرهنگ این مردمان است. تعدادی دیگر از این ترکیبات نیز بر ساختهٔ خود شاعر است که با استفاده از عناصر زبانی بومی به خلق آن پرداخته‌است. در این بخش ابتدا تعدادی از ترکیبات برگرفته از لهجهٔ جهرمی و سپس تعدادی از ترکیبات بر ساختهٔ شاعر را نقل می‌کنیم:

مَشَه مَور: گِیج (همان: ۲۲)، خُت و پَت: گفَتگو (همان: ۴۰)، اَطفَار دَنگ: مسخره کردن ادا (همان: ۶۷)، هَلَم هِیئو: بی سر و ته (همان: ۸۴)، رُوداژ فلک کردن: مدام تشبیه کردن (همان: ۸۸)، پَره شده: پراکنده شده (همان: ۸۹)، پِج زده: دست خورده (همان: ۹۴)، لَور: انباشته (همان: ۱۰۱)، بُنه دار: مراقب بُنه (همان: ۱۰۳)، تَش خُرگِ لَور: آتش خُرگ انبوه (همان: ۱۰۶)، آزرگاره: روزگاری است (همان: ۱۱۰)، مَرچگی کردن: در هم کشیدن (همان: ۱۱۱)، مُدَبِخ پُر اَ پِچا: آشپزخانهٔ پر از خاشاک (همان: ۱۱۵)، اُو گوشت کَلَم یَخنی (همان: ۱۱۵)، دیزی گلی: دیزی سفالین (همان: ۱۱۵)، تَش پیش کن: وسیله‌ای در پخت نان (همان: ۱۱۶)، بَلک خوش بریزی:

نگاهی به مجموعه شعر محلی جهرمی «با نسیم تازونه»، اثر سید عبد الرسول عقیلی ۷۵
 نوعی نان (همان: ۱۱۶)، گپه پَرسُم: نوعی ابزار بخت نان (همان: ۱۱۶)، نَبه چه: پس چه (همان: ۱۲۵)، تک و تُم: از پا افتاده (همان: ۱۳۱)، جهلی شدن: عصبانی شدن (همان: ۱۳۱)، بند نَیک: طناب محکم (همان: ۱۴۰)، چَگَرَبَگَر: چالاک (همان: ۱۴۴)، چَپَری: زود (همان: ۱۵۵)، دَر رَ رَ: فرار کرد و رفت (همان: ۱۶۱)، زُو زُو آ کاره: مدام کار می‌کند (همان: ۱۷۳)، سَر کُریا نشستن: چمپاتمه زدن (همان: ۱۷۴)، مِخینه‌های چارتیکه: تکه‌های چوب درخت نخل (همان: ۱۷۸)، وینگه پَنگ: صدای پایین آمدن خوشه خرما (همان: ۱۷۹)، توره اذبار: شغال بدترکیب (همان: ۱۸۳)، سه‌گه وگه: پریشان خاطر (همان: ۱۸۴)، پَرِمِچیده: دور هم پیچیده (همان: ۱۹۴)، آله بارون: نوعی آیین طلب باران (همان: ۲۰۲).

شاعر، ترکیبات زیر را با استفاده از عناصر زبانی محلی بر ساخته است:

روگندمیا: سبزه‌رویان (همان: ۲۲)، ته سردرگمیا (همان: ۲۲)، دلای نَم‌نمیا: دل‌های عاشق (همان: ۲۲)، مَحَلَه‌ی نامردمیا (همان: ۲۲)، گود و تُلُمب تجربه: توصیف افراد با تجربه (همان: ۲۲)، کِیزَنیش زَمه: مژه‌های کِیزمانند (همان: ۲۵)، ریشه بی‌فاصله‌تر (همان: ۲۵)، برگه پرمسئله‌تر (همان: ۲۶)، کَمُون زُر و پَر: کمان پرپیچ و تاب (همان: ۲۸)، پَر پَر وِی خُو: پروانه‌های خواب (همان: ۳۲)، طبل تیریشکُو: باران شدید طبل مانند (همان: ۴۴)، گِنَاوَلِ گل: دیوانه گل (همان: ۴۴)، کاکا سعدی (همان: ۸۵)، گُمب کَلَر: گردی سر نوعی گل (همان: ۹۷)، تک-پیرین عریون مجنون (همان: ۱۰۶)، سرخی شرم (همان: ۱۰۶)، خود دونم و عشق (همان: ۱۰۶)، جون شهید کربلاتون: به جان امام حسین^(ع) سوگند (همان: ۱۱۲)، جِل جِلِ نودونِ خدا: در توصیف باران (همان: ۱۲۰)، گُل بچه‌هی مَحَلَه‌ی صُب: در توصیف بچه‌های خوب (همان: ۱۲۰)، بیلَه مردون خدا: در توصیف خوبان (همان: ۱۲۰)، قندای قندون خدا: در توصیف بچه‌ها (همان: ۱۲۰)، عطر گل افشون خدا: در توصیف بوی بهار (همان: ۱۲۰)، گیس درختون خدا: در توصیف شاخه‌های نازک درختان (همان: ۱۲۱)، چن بیت مگ: شعر ضعیف (همان: ۱۳۵)، پُف کردن پشت تریبون: ادعا داشتن (همان: ۱۳۵)، بُوَر و پُوَر به شرط دل (همان: ۱۳۶)، نیم‌تی می-گم: سر بسته می‌گویم (همان: ۱۳۶)، مَجْمَعَه‌ی شعر: سینی شعر (همان: ۱۳۹)، دل لنگ (همان: ۱۴۹)، شُهْرَه مَحَلَه‌ی گِنَاوَلَا: مشهور در محل دیوانگان (همان: ۱۶۹)، نَغاره‌ی شاد خدا: در توصیف باران و رعد (همان: ۲۰۱).

۵. ۱. ۴. مضامین

عقیلی در مضمون سازی نیز شاعری توانمند است و بسیاری از مضامین شعری این مجموعه را با استفاده از عناصر طبیعی، جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی منطقه جهرم ساخته است؛ در ابیات زیر عناصر طبیعی جوش شکوفه‌های انار، صافی هوای بعد از باران و نهال نشانندن، ویران‌گری

رشد موریانه و عنصر جغرافیایی پیچ‌های سخت جاده جهرم- لارستان و عناصر فرهنگی و اجتماعی نمادی ارزشی بودن لُنگ، اهمیت دادن زنان به طلا، اُلُگفتن روی خط تلفن، نامناسب بودن لباس‌های تنگ و اَجَق و جَق، دفع چشم‌زخم توسط نمک، بالا رفتن آمار طلاق، سِرِیال شب‌های بَرره، مشکلات آینده آب و ضرب المثل فلانی اُوش بُکه به معنای از کوزه شکسته آب می‌خورد، دست‌مایه ساخت مضامین زیبا واقع شده است:

رَدِ تَرکَه‌ئِ تُوَه که گُل مُلیه جاش و ایطُو کُلُکْ جوشِ گل باغ اناره تو دَلُم

(همان: ۲۸)

حالا که صافه دَلُم مثل هَوُئِ بعد بارون بیو که پِئیه‌ی گل این‌جا نُشندن شَتله

(همان: ۴۸)

تخم رِشْمِز پاشیدن تو خاک پاک مَحله‌مون نمی‌شه گریه آ تو ای دل غافل نکنم

(همان: ۸۸)

تو کَمون اُبرو نکش ایق کَمون زُر و پر تا نگم گردنه‌هئِ جاده‌ی لاره تو دَلُم

(همان: ۲۸)

ما بَید تَجّه‌ی گُل تو آسمونا بزنینم گِل دنیا به مثل، عین یه لُنگه، نه ایطُو

(همان: ۵۱)

تی‌پا کوفتم، سُریدم، سَرُم شِکس، بُهکه دَلُم داد او ولی گُف که فقط صِدی اَلنگو دَره ذوقی

(همان: ۶۸)

گفتم: بریزم من اُو پاکِی آ رو دَسش از نو با نگاش رو خط دل آلو آلو کرد

(همان: ۸۴)

با این لباس تنگ سراپا اَجَق و جَق سوژه، آسی نگاه چیش این و اون نشو

(همان: ۹۴)

نگاهی به مجموعه شعر محلی جهرمی «با نسیم تارونه»، اثر سید عبد الرسول عقیلی ۷۷ هجری
آسی نمی‌گم تا که نظرتنگا بفهمن سر تا قدم اون نمک لُکِ بسیاره

(همان: ۱۰۲)

ا بس آمار طلاق ا حدّ خود رفته بالا ا گمونم که جداگشته ا مادر شده شعر

(همان: ۱۳۶)

جنگ امرو سر نفته ولی روزی سر آب شکر آخر وسط مردم عالم میشه او

(همان: ۱۸۹)

قافله‌ی عمر او مد و رف پی سریال خودش مٹ تیر از پس شهبی برزو در ر ر

(همان: ۱۳۶)

عمرم، همی زو سهرک نو ساخت و شگندش سهمم که دیدم او ا تو بُک بو، خُ بگم چه؟

(همان: ۱۴۰)

۵. ۲. ویژگی‌های ادبی

این مجموعه شعری در قالب غزل سروده شده و زبان آن ساده و مبتنی بر واژه‌ها، ترکیبات و مضامین محلی است؛ همچنین شاعر در به کارگیری آرایه‌های ادبی، مهارت و توانمندی بالایی از خود نشان داده است.

۵. ۲. ۱. قالب، وزن، ردیف و قافیه

همان‌طور که اشاره کردیم قالب شعری این مجموعه، غزل است که با موضوعات آن نیز متناسب است. وزن این غزل‌ها به استثنای چند غزل که به تناسب موضوع، در بحرهای مضارع، رجز و خفیف سروده شده است، اغلب، اوزان روان و مطبوع بحر رمل و هزج انتخاب گردیده است. همچنین در همه این غزلیات، وزن به درستی رعایت شده و هیچ نارسایی یا اشکال وزنی در اشعار احساس نمی‌شود. شاعر از ردیف نیز به زیبایی و با مهارت استفاده کرده و ردیف‌ها، اغلب، اسم‌ها، فعل‌ها و عبارات محلی هستند که شاعر، متناسب با موضوع غزلیات، با هنرمندی از آن بهره جسته است؛ مثلاً انتخاب ردیف‌های «شعر»، در غزلی با موضوع فترت شعر، واژه محلی «او»، در غزلی با موضوع معضل آب، «بزنه»، در غزلی با موضوع دعای باران، «بچه»، در غزلی با موضوع نصیحت جوانان، «غدیر»، در غزلی با موضوع آیینی غدیر، «در ر ر» در غزلی با

موضوع رفتن سریع معشوق و «نه ایطُو»، در غزلی با موضوع توصیف زیبایی‌های طبیعی جهرم، بیانگر توانمندی شاعر در انتخاب ردیف در این مجموعه شعری است. قافیه نیز در این غزلیات به درستی رعایت شده و اسم‌ها و صفت‌ها در مرتبه نخست و فعل‌ها و حروف، در مرتبه بعد، بیش‌ترین کلمات قافیه واقع شده‌است.

۵. ۲. ۲. آرایه‌های ادبی

از میان انواع صور خیال، کاربرد تشبیه به‌ویژه تشبیه بلیغ، استعاره و کنایه و از میان صنایع بدیعی کاربرد مراعات النظیر، تشخیص، انواع جناس به‌ویژه جناس ناقص، واج‌آرایی، ایهام، تناسب، تضاد و تضمین، در این مجموعه شعر محلی، برجستگی بیش‌تری دارد. دیگر آرایه‌های شعری نیز در این مجموعه یافت می‌شود.

۵. ۲. ۲. ۱. تشبیه:

تشبیه برجسته‌ترین عنصر خیال در اشعار این مجموعه است و شاعر در بیان عواطف و موضوعات، با استفاده از واژه‌ها و ترکیبات محلی در خلق این تشبیهات، شعرش را از شور و حرکت، سرشار کرده‌است. او اگرچه عناصر تشبیه را از واقعیت‌ها برگرفته‌است، اما با به‌کارگیری نیروی تخیل، به آن، جلوه‌ای فراتر از واقعیت بخشیده و در نتیجه به نوعی احساس یگانگی با این عناصر دست یافته‌است. همچنین کاربرد زیاد کلماتی مانند دل، آفتُو، عشق، نگاه و... در ساخت این تشبیهات، پیوندی منطقی میان احساسات شاعر با عناصر خیال ایجاد کرده‌است. در این‌جا ابتدا تعدادی از ابیات شاخص این مجموعه را که آرایه تشبیه به زیبایی در آن به کار گرفته شده، بررسی و سپس تعدادی از تشبیهات را فهرست‌وار نقل می‌کنیم؛ در ابیات زیر به ترتیب چشم‌های معشوق به اسلحه دم‌پر پُر شده، دل به گُلُوپ‌های روشن، نگاه معشوق به کَفَه‌ی (صحرا) سبز (در این بیت آهو استعاره از معشوق است)، دل‌ها به عمو نوروز، پیش تَرک (برگ‌های نخل) به تاج و لب معشوق به خرگ (ذغال) آتش، تشبیه شده‌است.

دَم‌پُر پُر شده‌ی چیشات چِکندی که چه شه؟ گُلُوپِی روشن دل آ دم تَکندی که چه شه؟

(همان: ۷۵)

تو کَفَه‌ی سبزِ نِگِی، آهوئی وردُشته دَلَم کو میرِشْکال و کجا رفته دولولُم آ سید؟

(همان: ۳۶)

نگاهی به مجموعه شعر محلی جهرمی «با نسیم تارونه»، اثر سید عبد الرسول عقیلی ۷۹ هـ

جوبیاتون سَرِلا غرقِ گل اما چه خوشه
عمو نوروزِ دلاتون خونه‌ها در بزنه

(همان: ۱۲۴)

پیش تَرک تش نزنین، تاج سرش بوده یه وخت
گیس قشنگ سبز او، تا کمرش بوده یه وخت

(همان: ۱۷۸)

شعرم اگه تش ش اگه سوزش رو نسیمه
گفتم کمی از خُرگ لبات گفته و رد شم

(همان: ۲۰۶)

همچنین است تشبیهات سُوم عشق (همان: ۲۸)، گُلِ آفتو صبح (همان: ۲۹)، تیْفون نگاه (همان: ۳۲)، برگ دل (همان: ۳۲)، کَفه‌ی خشکِ دل (همان: ۴۴)، تیریشی (بریده‌های پارچه) روزی (همان: ۴۴)، قُلکِ پرشده دل (همان: ۴۷)، کُوزک (نوعی خار) غم (همان: ۵۱)، لَته‌ی دل (همان: ۵۱)، فَنجِ دل (همان: ۵۴)، شَهْرِ دل (همان: ۵۵)، گُلِ آفتو (همان: ۶۳)، بِرکَه مَهتُو (همان: ۷۱)، سَهْرکِ عشق (همان: ۷۱)، گَلیه‌ی (سوزن) وفا (همان: ۷۵)، پَنگِ سبز نگا (همان: ۷۵۹)، بَشِ صبح (همان: ۷۶)، داسِ نگاه (همان: ۸۵)، کُتُو عشق (همان: ۸۸)، قلم بارون (همان: ۸۸)، تَش عشق (همان: ۹۷)، قافله آفتو (همان: ۹۷)، دشت دل (همان: ۱۰۲)، کفتر دل (همان: ۱۱۰)، کَفه‌ی سبز دعا (همان: ۱۱۰)، گردِ گناه (همان: ۱۱۲)، بِرکَه شُو (همان: ۱۲۱).

۵. ۲. ۲. ۲. تناسب:

در ابیات زیر، نام محلات و محصولات شهر جهرم، مراعات النظر زیبایی ساخته است:

جَلُومِ مَحَلَه‌ی صحرا و سِنون و اَسفَریز
صُب اَ دَشتُو دويدم سُوم اَ مصلی رسیدم

کوچه‌هی کوشکک و جُبذَر، علی‌پهلُون و کَلُون
هر جا رفتم، همه گل، ماه تو پیدا می‌دیدم

(همان: ۵۵)

بکری، مَدَنی، لیمور و بیدخون و تَرنگی
بپی هم لَوَره، لِگِ لِگِ هر شاخه‌ش باره

(همان: ۱۰۱)

۵. ۲. ۲. ۳. تشخیص:

اِمشُو غزَلُم شاده که مهمونِ غدیره
وِیلونِ کَفه‌ی گرم بیابونِ غدیره

(همان: ۷۱)

صامدی ای بشه گل، خواره، کناره تو دلم
حالا که مهر تو چون خار کناره تو دلم
جناس ناقص: ۴.۲.۲.۵

(همان: ۲۸)

عشق آگه بسازه، ها، باشه قبولم آ سید
رُو سوزنده بَسه یه رنگ سازنده بزن

(همان: ۳۷)

تووم ابرو کشیدی، ابرو بُندی که چه شه؟
آسمون غُرمبه زد تش آ گلور بش صبح
جناس مرگب: ۵.۲.۲.۵

(همان: ۷۶)

گُلویی روشن دل آ دم تگندی که چه شه؟
دَم پُر پُرسدهی چیشات چگندی که چه شه؟
واج آرایی: ۶.۲.۲.۵

(همان: ۷۵)

صورتُم برگه‌ی پرمسئله تر کرد با نگاش
در ابیات زیر در واژه‌های جبر و چفت (نام پرنده‌ای)، ایهام تناسب به کار رفته است:
اگه من مثل ریاضی شدم از جبر اووه
ایهام تناسب: ۷.۲.۲.۵

(همان: ۲۶)

گُر گرفتم بازم از عشق شما جهرمیا
دهن چفتِ دلم وازه و خوندن گِرشه

(همان: ۲۳)

هر که دل‌ناده گُنه یک بچه‌آهو دره ذوقی
در ابیات زیر، میرشکالا و آفتُو، استعاره از زیبارویان و بچه‌آهو، استعاره از عاشق است:
آ میرشکالا بیگین و آلا هنر نی دل‌سوزوندن
استعاره: ۸.۲.۲.۵

(همان: ۶۸)

نگاهی به مجموعه شعر محلی جهرمی «با نسیم تازونه»، اثر سید عبد الرسول عقیلی ۸۱
مَث مَهْتُو اومدم، شُو بود و آفتُو تو دیدی جیلوت با سَمْدَم پرده کَشْنَدَم آ سی ای

(همان: ۸۰)

۵. ۲. ۲. ۹. کنایه:

گفتم: هوا پسه! تو گلی! طاقتت کمه! هر چی که سوم میا، سر شاخه نشون نشو

(همان: ۹۳)

۵. ۲. ۲. ۱۰. تضاد:

یکی گرگه تو بازی، گرچه پی آهو ولی دشمن گرگیم و صیاد بیابون ای پسین

(همان: ۱۴۶)

۵. ۲. ۲. ۱۱. تضمین:

گفتم کاکا سعدی آگه زر شد مسِ رویش این جا تش ذوب آهن تو دل منو اُو کرد

(همان: ۸۵)

۵. ۳. ویژگی‌های محتوایی

این مجموعه شامل دو غزل به زبان معیار، در توصیف جهرم و چهل و چهار غزل به لهجه محلی جهرمی است. موضوع اصلی غزلیات محلی، عشق و احساسات عاشقانه است؛ به طوری که بیش از پانزده غزل به این موضوع اختصاص یافته است. مسائل و معضلات اجتماعی مانند فراموش شدن سنت‌ها، معضل آب در جهرم، توصیه به همدلی و وحدت اجتماعی، مشکلات فرهنگی جوانان، توصیه بانوان به رعایت عفت، نیز از موضوعات پربسامد در این غزلیات است. موضوعات دینی و آیینی مانند نیایش خداوند، ذکر ولایت حضرت علی^(ع) و توصیف عید غدیر نیز با باورمندی در چند غزل طرح شده است. برخی از غزلیات نیز در موضوعاتی مانند دعای باران، برخی آداب قدیم جهرم، نكوهش مدعیان عشق، عنایت به طبیعت، ارزش عمر، معضل تربیت فرزندان، درخت نخل و توصیف پیری، سروده شده است. موضوع سه غزل نیز اهمیت شعر و معضلات امروزی شعر است. در بین غزلیات، تعداد بیست دوبیتی و یک شعر کوتاه سپید نیز آمده که دوبیتی‌ها به لهجه محلی جهرمی سروده شده و موضوع آن، بیش تر عواطف و احساسات شاعر در باره شهر جهرم و مسائل دیگر است.

۶. نتیجه‌گیری

سرودن شعر به لهجه‌های محلی، در ایران رواجی دیرینه داشته و بسیاری از شاعران فارسی‌گوی، در کنار اشعار رسمی، اشعاری نیز به لهجه‌های محلی و عامیانه سروده‌اند. شهرستان جهرم نیز به عنوان بخشی کوچک از سرزمین پهناور ایران، از دیرباز شاعران و نویسندگان صاحب‌نامی را در دامان خود پرورانده است که برخی از این شاعران، به لهجه محلی جهرمی شعر سروده و آثاری ماندگار و مؤثر در حفظ و تقویت ادبیات عامیانه و محلی این مرز و بوم، از خود به یادگار گذاشته‌اند. سید عبدالرسول عقیلی از شاعران معاصر جهرم است که در قالب‌های سنتی و نو، هم به زبان معیار و هم به لهجه محلی جهرمی شعر می‌سراید. او مجموعه شعر محلی با نسیم تازوئه را بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۳ به لهجه محلی جهرمی سروده است. زبان شعر عقیلی در این اشعار، ساده و متکی بر عناصر زبانی بومی است؛ کاربرد واژه‌های خاص لهجه فارسی جهرمی، کاربرد واژه‌های با تلفظ این لهجه و نیز خلق ترکیبات و مضامین تازه با استفاده از لهجه و فرهنگ محلی جهرمی، در خلق زبان و سبک شعری این مجموعه، نقش مؤثری ایفا کرده است. به لحاظ محتوایی نیز شاعر در این مجموعه، به موضوعاتی مانند عشق، دعا و نیایش، سنت‌های محلی، پند و اندرز، فترت شعر و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منطقه جهرم پرداخته است.

کتاب‌نامه

- حقایق جهرمی، حسین، (۱۳۷۵)، کتاب جهرم، بی‌جا، و حید.
 رستگار فسایی، منصور، (۱۳۸۰)، انواع شعر فارسی، چاپ دوم، شیراز، نوید.
 شمیسا، سیروس، (۱۳۸۲)، سبک‌شناسی شعر، چاپ نهم، تهران، فردوس.
 طوفان، جلال، (۱۳۸۰)، شهرستان جهرم، چاپ سوم، شیراز، کوشا مهر.
 عقیلی، سید عبدالرسول، (۱۳۹۳)، آتش‌بیبار، جهرم، مصلی.
 فرزین‌نیا، صمد، (۱۳۹۰)، فرهنگ فارسی جهرمی (واژه‌ها، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، باورها و آیین‌ها)، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
 سنگری، محمد رضا، (۱۳۸۰)، «فرهنگ و گویش‌های محلی را دریابیم»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، سال شانزدهم، شماره ۵۹، صص ۱-۲.
 فرزین‌نیا، صمد. (۱۳۸۹). ویژگی‌های لهجه فارسی جهرمی، فصلنامه فرهنگ مردم، شماره ۳۳، ص ۱۳۸.